

Explaining the Origins of Curriculum Counseling in Schools from the Perspective of Teachers

Mohammad Taghi Roodi* 

* Corresponding Author: Ph.D. in Curriculum Study, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Shahid Beheshti University, Tehran: Iran. Email: Mohammad.roodi@yahoo.com

Abstract

Objectives: The purpose of this research is to identify and study the teachers' needs for curriculum counseling and examine the existing gaps in this regard.

Materials and Methods: The approach of this research is qualitative and it was done with the method of phenomenology. A semi-structured interview was used to collect information. The research community was secondary school teachers of public schools in Tehran, and 14 people were selected to conduct interviews through available sampling. Qualitative content analysis and the method of analyzing themes and categories have also been used for data analysis.

Discussion and Conclusions: Based on the findings of the research, 5 core themes were identified about the origins of curriculum counseling, including teaching and learning methods, evaluation methods, classroom management, implementation of new curricula, and the link between teachers and planners. Also, 29 main categories that were a subset of the aforementioned core categories were identified: teaching and learning method (including choosing a teaching method based on content, choosing a teaching method that fits the characteristics of learners, choosing a suitable educational strategy for specific students, and receiving advice regarding teaching methods), evaluation method (including the suitability of the evaluation method with course subjects, developing a comprehensive evaluation plan, choosing the appropriate method of receiving feedback from learners, and helping teachers in the field of various evaluation methods), classroom management (including developing appropriate lesson plans and facing various classroom challenges), implementing new curricula (including explaining curricula and persuading teachers, correcting and adjusting teachers' resistance, responding to teachers' questions), and link between teachers and planners (including documenting teachers' opinions regarding curricula and helping to modify and adapt curricula to implementation conditions). The teaching profession is more complex and challenging than it seems at first glance, and teachers need to receive expert advice and guidance to carry out activities related to education and teaching, which the establishment of curriculum counselors in schools can play an effective role in this regard. According to the findings of the research, suggestions such as paying serious attention to the needs and challenges of teachers, trying to accurately define the professional duties and responsibilities of curriculum consultants, and planning for the establishment of curriculum consultants in schools are provided to develop and improve the teaching-learning process.

Keywords: Curriculum Counseling, Teachers, Secondary School, Curriculum.



مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی

مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)

صفحات: ۲۷۷-۲۹۸

DOI: [10.48308/mpes.2023.232544.1352](https://doi.org/10.48308/mpes.2023.232544.1352)


ISSN: [2423-5261](https://doi.org/10.48308/mpes.2023.232544.1352)

E-ISSN: [2538-6344](https://doi.org/10.48308/mpes.2023.232544.1352)

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۹ بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۵/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۲۵ چاپ مقاله: ۱۴۰۲/۷/۱

واکاوی ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان

محمدتقی رودی 

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Mohammad.roodi@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدرسه از دیدگاه معلمان است؛ به سخن دیگر هدف این پژوهش شناسایی و مطالعه نیازهای معلمان به مشاوره برنامه درسی و بررسی خلاءهای موجود در این رابطه است.
مواد و روش‌ها: رویکرد پژوهش حاضر، کیفی است و با روش پدیدارشناسی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. شرکت‌کنندگان پژوهش، معلمان دوره متوسطه دوم شهر تهران بود که از طریق نمونه‌گیری در دسترس، ۱۴ نفر برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌های مصاحبه از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل شبکه مضامین و مقولات استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، ۵ مضمون محوری در رابطه ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس شامل: روش تدریس و آموزش، روش ارزشیابی، مدیریت کلاس درس، اجرای برنامه‌های درسی جدید، و حلقه اتصال بین معلمان و برنامه‌ریزان مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین ۲۹ مقوله اصلی که زیر مجموعه مقولات محوری مذکور بودند عبارت‌اند از: روش تدریس و آموزش (شامل انتخاب روش تدریس براساس محتوا، انتخاب روش تدریس متناسب با ویژگی‌های فراگیران، انتخاب راهبرد آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان خاص، و دریافت مشاوره در رابطه با انواع روش‌های تدریس)، روش ارزشیابی (شامل تناسب روش ارزشیابی با موضوعات درسی، تدوین طرح جامع ارزشیابی، انتخاب روش مناسب دریافت بازخورد از فراگیران، و کمک به معلمان در زمینه انواع روش‌های ارزشیابی در عمل)، مدیریت کلاس درس (شامل تدوین طرح درس مناسب و مواجهه با چالش‌های مختلف کلاس درس)، اجرای برنامه‌های درسی جدید (شامل تبیین برنامه‌های درسی و اقناع معلمان، اصلاح و تعدیل مقاومت معلمان، پاسخ به سؤالات معلمان)، و حلقه اتصال معلمان و برنامه‌ریزان (شامل مستندسازی نظرات معلمان در رابطه با برنامه‌های درسی و کمک به اصلاح و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با شرایط اجرا). حرفه‌ی معلمی، بیش از آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، پیچیده و چالش‌برانگیز است و معلمان برای انجام فعالیت‌های مربوط به آموزش و تدریس نیاز به دریافت مشاوره و راهنمایی تخصصی دارند که استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس می‌تواند در این رابطه به صورت مؤثری ایفای نقش کند. با توجه به یافته‌های پژوهش، توجه به نیازها و چالش‌های معلمان، و تلاش در جهت تعریف دقیق وظایف و مسئولیت‌های حرفه‌ای مشاوران برنامه درسی و برنامه‌ریزی جهت استقرار مشاوران برنامه‌های درسی در مدارس به‌منظور توسعه و ارتقای فرایند یاددهی-یادگیری ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، دوره متوسطه، مشاوره برنامه درسی، معلمان.

رودی، محمدتقی. (۱۴۰۲). واکاوی ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۶(۲)، ۲۷۴-۲۹۸. doi: 10.48308/mpes.2023.232544.1352



Copyright: © 2023 by the authors. This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

مقدمه

نظام آموزشی در هر کشوری به دلیل تأثیرگذاری بر حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... مورد توجه سیاست‌گذاران و رهبران سیاسی هر جامعه‌ای قرار می‌گیرد. در تمامی کشورها، دولت‌ها تلاش دارند تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود در نظام آموزشی به اهداف مورد نظر خود دست یابند (برنا خواجه، محمودی، ادیب و حبیبی، ۱۴۰۱). برنامه درسی به‌عنوان اساس و خمیرمایه نظام‌های آموزشی جوامع مختلف این وظیفه را دارد تا با توجه به علایق و استعداد‌های دانش‌آموزان و نیازهای جامعه به هدایت دانش‌آموزان پرداخته و گامی مهم در مسیر رشد و شکوفایی انسان و جامعه بردارد. اگر این مقوله، ساز و کار درستی نداشته باشد و به درستی هدایت نشود، آموزش و پرورش اثربخشی خود را از دست خواهد داد (رودی، فتحی واجارگاه، عارفی و شریفی، ۱۴۰۰). بر این اساس، برنامه درسی از یک سو، به مانند سایر رشته‌ها و حوزه‌های علمی و به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی تخصصی نیازمند نظارت و هدایت توسط متخصصان و صاحب‌نظران این رشته است، و از سوی دیگر، برنامه درسی به‌عنوان منبع تغییر در جامعه محسوب می‌گردد و ارائه مشاوره در حوزه برنامه درسی باعث می‌شود تا موقعیت‌های مطلوب برای تغییر به وجود آید (پیپولی^۱، ۲۰۱۲). مشاوره برنامه درسی مفهومی است که بر بهبود فرایند یادگیری و تحقق اهداف برنامه‌های درسی تأکید دارد. سطح کاربرد و عملکرد این مفهوم بستگی به میزان مقبولیت آن از طرف صاحب‌نظران آموزشی دارد. مشاوره برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه مغفول، به دنبال کمک به ارتقای یادگیری فراگیران و هماهنگی فعالیت‌های عوامل مدرسه توسط مشاوران برنامه درسی است. متخصصان تبیین دقیق مسأله، تبیین تمایز بین مشاوره برنامه درسی و مشاوره تحصیلی و طرح مشاوره برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه‌ی میان رشته‌ای را به‌عنوان نکات ضروری و مهم در رابطه با طرح مفهوم مشاوره برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی مورد توجه قرار می‌دهند (رودی، فتحی واجارگاه، عارفی، حکیم‌زاده و شریفی، ۱۳۹۷). دلایل زیادی وجود دارد که بر وجود نیاز به مشاوره برنامه درسی تأکید می‌کند. با بررسی مطالعات صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که حداقل سه گروه، از جمله معلمان، دانش‌آموزان و والدین می‌توانند از مساعدت مشاوره برنامه درسی بهره‌مند شوند. گولتا^۲ (۲۰۰۶) معتقد است، معلمان به‌عنوان مجریان برنامه درسی باید در مورد چگونگی تأثیر ارزش‌ها و اعتقادات شخصی و ویژگی‌های درونی خود بر کیفیت اجرای برنامه آگاهی یافته و در مورد مسایلی همچون نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان، فضای آموزشی و روش‌های پیاده‌سازی برنامه راهنمایی شوند. ارائه مشاوره در حوزه برنامه درسی به معلمان می‌تواند عملکرد ایشان را در مواجهه با دانش‌آموزان افزایش داده و کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری را بهبود بخشد. هم‌چنین هور^۳، کارنی^۴، چانگ^۵ و استرفیلد^۶ (۲۰۱۲) بر این عقیده‌اند که ارائه مشاوره در خصوص برنامه درسی ارائه شده به مربیان، ایشان را در مورد آموزش‌های مؤثرتر آگاه ساخته و بر چگونگی عملکرد ایشان اثرگذار خواهد بود. بنابراین هر چه آگاهی معلمان از برنامه‌های درسی بیشتر باشد، اجرای این برنامه‌ها نیز روند مثبتی خواهد داشت. در نظام‌های آموزشی دنیا ارائه مشاوره به دانش‌آموزان و هدایت آنان در حوزه‌های مختلف تحصیلی و یادگیری، موضوعی مهم و کلیدی تلقی می‌شود (شریفی، زمانی مقدم، جمالی و رشادت‌جو، ۱۴۰۱). پیپولی (۲۰۱۲) دانش‌آموزان را به همراه معلمان از عوامل مهم اجرای برنامه‌های درسی می‌داند و بر این عقیده است که مشاوره به دانش‌آموزان در حوزه برنامه درسی می‌تواند

1. Pipoly
2. Gouleta
3. Hauer
4. Carney
5. Chang
6. Satterfield

اثرات پایداری برای ایشان در چگونگی نگرش به برنامه درسی و فهم آن و همچنین اجرای برنامه‌های درسی داشته باشد. وی معتقد است عدم ارائه مشاوره به دانش‌آموزان می‌تواند نوعی سردرگمی را در مباحثی که مورد فهم نیست، به وجود آورد.

متخصصان برنامه درسی به‌منظور افزایش اثربخشی و تحقق اهداف برنامه‌های درسی، بایستی به‌طور مستمر به ارزیابی این برنامه‌ها پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی کنند. انجام این مهم هرگز بدون توجه به مسائل و چالش‌های دانش‌آموزان و معلمان میسر نخواهد شد. متخصصان بایستی با نظرخواهی از مدارس، در مورد برنامه‌های درسی، راهکارهای رفع نقاط ضعف آن را یافته و توصیه‌های خود را ارائه دهند (هاموند^۱ و موزر^۲، ۲۰۰۹). از سوی دیگر ارائه رهنمودهایی در خصوص برنامه درسی و محتوای آموزشی به معلمان می‌تواند تمرکز آن‌ها را بر برنامه درسی افزایش داده و مهارت‌های برخورد با آن را در ایشان ارتقا دهد (وبی^۳ و تیچا^۴، ۲۰۲۱). همچنین آگاهی معلمان از برنامه درسی و نیز شناسایی ویژگی‌های دانش‌آموزان، عملکرد دانش‌آموزان را نیز متأثر ساخته و بر افزایش مهارت‌های ایشان نیز تأثیرگذار خواهد بود (کالدول^۵، کاسیم‌یار^۶ و شومیت^۷، ۲۰۱۹). باخ^۸، شولر^۹، اندرسون^{۱۰} و والریدج^{۱۱} (۲۰۱۸) معتقدند که آگاه بودن معلمان از ماهیت برنامه درسی و نیز فهم ایشان در مورد ویژگی‌های دانش‌آموزان، می‌تواند بر عملکرد معلمان اثرگذار باشد. بنابراین توصیه می‌گردد که دست‌اندرکاران برنامه درسی بدون سهل‌انگاری به آموزش معلمان در این خصوص اقدام نمایند. اگر معلمان از برنامه درسی آگاهی داشته باشد این امر حتی می‌تواند بر حفظ حقوق فرهنگی و هویتی نیز تأثیر مثبتی داشته باشد (دوود^{۱۲}، کاپنر^{۱۳} و هالند^{۱۴}، ۲۰۲۰). دوود و همکاران (۲۰۲۰) همچنین تنوع روش‌های ارزشیابی در برنامه درسی را مورد تأکید قرار داده و آگاه‌سازی معلمان، دانش‌آموزان و والدین در مورد نحوه به کارگیری این روش‌ها در عرصه آموزش را دارای اهمیت می‌دانند. به اعتقاد بارگا^{۱۵}، پاکانگلا^{۱۶}، و پللیزاری^{۱۷} (۲۰۱۴) بسترسازی آموزش مستمر معلمان و ارائه مشاوره در زمینه اجرا و ارزشیابی، وظیفه اصلی متولیان نظام آموزشی است و بی‌توجهی به این مسأله،

-
1. Hammond
 2. Moser
 3. Obi
 4. Ticha
 5. Caldwell
 6. Qasimyar
 7. Shumate
 8. Bax
 9. Shawler
 10. Anderson
 11. Wolraich
 12. Doud
 13. Hoepner
 14. Holland
 15. Braga
 16. Paccagnella
 17. Pellizzari

عامل شکست برنامه درسی خواهد بود. کورپرشوک^۱، هارمز^۲، دی بوئر^۳، ون کویجک^۴ و دولارد^۵ (۲۰۱۶) و لومن^۶، رادولف^۷ و اوه^۸ (۲۰۲۱) معتقدند ارائه راهنمایی به معلمان در زمینه مدیریت کلاسی و افزایش دانش و مهارت ایشان در این زمینه امری انکارناپذیر بوده و ضرورتی است که بی‌توجهی به آن، برنامه درسی را با چالش‌های فراوانی مواجه خواهد کرد. بنابراین ارائه مشاوره به معلمان در مورد برنامه‌های درسی و افزایش آگاهی ایشان، می‌تواند، علاوه بر تسهیل فرایند یاددهی-یادگیری (طالب‌زاده شوشتری و مومنی، ۱۳۹۹)، بسیاری از مسایل و مشکلاتی که برنامه درسی در حوزه اجرا با آن روبروست را برطرف نموده و دستیابی به هدف مورد نظر را تسهیل نماید. با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد، شناخت نیازها و خلاءهای موجود در حوزه مشاوره برنامه درسی، و شناسایی ریشه‌های آن در مدارس به‌منظور ارائه پاسخ مطلوب به چالش‌های موجود، و برنامه‌ریزی برای اقدام مناسب در این راستا از جمله ضروریاتی است که با انجام آن فرایند یاددهی-یادگیری بهبود یافته و برنامه درسی در دستیابی به اهداف خود، موفق‌تر عمل خواهد کرد. بر همین اساس، مسئله پژوهش حاضر، واکاوی و شناسایی ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان از طریق مطالعه خلاءها و ضرورت‌های موجود است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حوزه مطالعات برنامه درسی همچون هر حوزه دانشی دیگری نیاز به پویایی و باز تعریف مرزهای عملی و نظری خود دارد. توجه به این نکته ضروری است که با گسترش علم و فناوری و پیشرفت جوامع انسانی، و تغییر و تحولات منتج از آن، مسائل و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آید که همین امر نیاز به پژوهش و بررسی را ضروری می‌سازد. رشد و توسعه شتابان حوزه برنامه درسی، به‌ویژه وجود دیدگاه‌ها و برداشت‌های گوناگون از آن، زمینه‌ساز ظهور مفاهیم و قلمروهای جدید در این رشته نو بنیاد بوده است (فتیحی و اجارگاه، ۱۴۰۰). البته تغییر و تحول در حوزه مطالعات برنامه درسی، محدود به حوزه نظری نیست، چرا که این حوزه اساساً پای در واقعیت‌های ملموس تربیتی جامعه دارد و به گفته‌ی جکسون^۹ (۱۹۹۲) نظریه‌های برنامه درسی، لاجرم در میدان اجرا و عمل آموزش، به آزمون گذاشته می‌شوند. در همین دیدگاه است که نقش متخصصان برنامه درسی و فعالان اجرایی و عملی این حوزه، حساسیت بیشتری پیدا می‌کند. آنان کسانی هستند که از طریق مهارت‌ها و شایستگی‌هایی که در حوزه برنامه درسی دارند فرایند یاددهی-یادگیری و هم‌چنین تحقق اهداف نظام آموزشی و برنامه‌های درسی را تسهیل می‌کنند؛ هر چند دکر و اکر^{۱۰} (۲۰۰۳) پا را فراتر می‌گذارند و تأکید می‌کنند که برنامه درسی در عمل، آن چیزی است که ماهیت و هویت آینده ما را شکل می‌دهد. یادگارزاده، فتیحی و اجارگاه، مهرمحمدی و عارفی (۱۳۹۲) در تلاشی قابل تحسین در راستای تحلیل نقش‌های شغلی و فعالیت‌های حرفه‌ای متخصصان برنامه درسی درصدد بر می‌آیند تا مشخصات شغلی و حرفه‌ای متخصصان برنامه درسی را تحلیل و تعیین نمایند. آنان براساس یافته‌های پژوهش خود، که با رویکرد کیفی و روش عمل فکورانه انجام شد، اظهار می‌نمایند که شغل متخصص برنامه درسی دارای

1. Korpershoek
2. Harms
3. de Boer
4. van Kуйjk
5. Doolaard
6. Lohmann
7. Randolph
8. Oh
9. Jackson
10. Decker Walker

مشخصات خاص، حیطة عمل روشن، کارکرد و برون‌داد کاری معین و الزامات ایفای نقش است و معتقدند که متخصص برنامه درسی براساس مدل‌های رایج مشخصات شغلی، دارای تنوع مهارت، وظایف مشخص، تکالیف مهم، خود راهبری و بازخورد است. آنان هم‌چنین در پژوهش خود به نکته مهم و قابل توجهی اشاره می‌کنند و می‌نویسند:

«... متخصص همه فن حریف (در حوزه برنامه درسی) دیگر معنا ندارد. شغل متخصص برنامه درسی با توجه به حیطة عمل و کاری که انجام می‌دهد می‌تواند دارای زیر تخصص‌های متنوعی باشد که هر یک زمینه تبدیل شدن به مشاغل خاص و با توصیف و ویژگی منحصر به فرد را دارند» (ص ۲۵).

بر این اساس متخصص برنامه درسی یک خانواده شغلی یا یک حرفه‌ی تخصصی وسیع است که تخصص‌های ویژه گوناگون را براساس نوع فعالیت در حوزه برنامه درسی شامل می‌شود. سلمانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تبیین مفهوم رهبری برنامه درسی به‌عنوان یکی از حرفه‌های حوزه مطالعات برنامه درسی می‌پردازند و بر آن می‌شوند تا از طریق به‌کارگیری رویکرد کیفی پژوهش و روش تحلیل مفهوم، به تشریح و شفاف‌سازی رهبری برنامه درسی به‌منظور ارائه دیدگاه‌ها و راهبردهایی برای تسهیل اجرای پویای برنامه‌های درسی نایل آیند. آنان در نتایج پژوهش خود چنین گزارش می‌دهند که از طریق تشریح و تحلیل مفهوم رهبری برنامه درسی در چندین جنبه اصلی آن یعنی چیستی و ماهیت، قلمروهای کاری، نقش‌ها و ویژگی‌های رهبران برنامه درسی، و هم‌چنین سبک‌ها، سطوح، راهبردها و شایستگی‌های رهبران برنامه درسی، می‌توان تصویری روشن از آن ارائه نمود. این پژوهشگران به نوعی در صدد بازتعریف مفهوم رهبری برنامه درسی و بازنمایی جایگاه و نقش آنان در اجرای برنامه‌های درسی بوده‌اند. یکی دیگر از مفاهیمی که در حوزه مطالعات برنامه درسی مطرح شده است، مفهوم مشاوره برنامه درسی است. رودی و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی در صدد بازنمایی مفهوم مشاوره برنامه درسی برآمدند. آنان در این پژوهش سعی کردند جایگاه مشاوره برنامه درسی در حوزه مطالعات برنامه درسی را تبیین نمایند و ضرورت این امر را از طریق بررسی مبانی نظری و تشریح شواهد تجربی تبیین کنند. آنان در این پژوهش که با روش تحلیلی و مرور نظام‌مند انجام دادند، چنین ادعا کردند که مفهوم مشاوره برنامه درسی جایگاه و مبنای نظری خود را در نظریه‌های نومفهوم‌پردازان برنامه درسی دارد و چنین نتیجه‌گیری کردند که مشاوره برنامه درسی به‌عنوان یک حرفه می‌تواند در ارتقاء سطح یادگیری و روش‌های یاددهی-یادگیری و به‌ویژه توسعه و اعتلای شخصی فراگیران در چارچوب برنامه‌های درسی نقش مهمی ایفا نماید. آنان هم‌چنین در رابطه با مفهوم مشاوره برنامه درسی، آن را قلمروی از رشته مطالعات برنامه درسی تعریف کردند که درصدد است تا به مدیران آموزش، مربیان، معلمان و فراگیران در حوزه‌های مرتبط با برنامه درسی و آموزش مشاوره تخصصی ارائه نماید. در پژوهشی دیگر در حوزه مشاوره برنامه درسی، ترکی، عباسپور، حکیم‌زاده و امیرتیموری (۱۴۰۱) به بررسی ضرورت طراحی بسته آموزشی مشاوره برنامه درسی با رویکرد تربیت مغز پرداختند. در راستای همین هدف، آنان در نتایج پژوهش خود که با رویکرد کیفی و روش تحلیل مفهوم انجام شد، به مقوله‌هایی چون عناصر برنامه درسی، مسائل نظام آموزشی، تربیت مبتنی بر مغز، اصلاح برنامه درسی، اهداف برنامه درسی، هماهنگ‌کننده مدرسه و مجریان استانی و کشوری، برون‌دادهای آموزشی، امکانات مالی-رفاهی، فرایند برنامه‌ریزی درسی، دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی درسی، مشارکت در برنامه‌ریزی درسی، تسهیل اجرای برنامه‌های درسی، مهارت‌های تدریس، شیوه‌های مدیریت کلاس، و هماهنگ‌کننده مدرسه و والدین اشاره کردند. ملاحظه می‌شود که آنان در پژوهش خود به نوعی به تبیین جایگاه و نقش مشاوره برنامه درسی در تسهیل فرایند یاددهی-یادگیری و اجرای اثربخش برنامه‌های درسی در قالب بسته مشاوره برنامه درسی پرداخته‌اند.

گولتا (۲۰۰۶) پژوهشی با هدف ارائه مدل برنامه درسی مشاوره برای معلمان به‌منظور بهبود فرایند آموزش و یادگیری در مدارس انجام داد. وی در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد،

اظهار می‌کند که ارائه مشاوره به معلمان در زمینه برنامه‌های درسی و ابعاد مختلف آن از قبیل تدریس، ارزشیابی، محتوا و ... موجب می‌شود که اثربخشی تدریس و آموزش آنان بهبود پیدا کند و ارتباط مؤثری نیز با دانش‌آموزان برقرار کنند. دودی^۱، ملیک^۲، روهان^۳ و بورا^۴ (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی به تبیین و تشریح نقش مشاوران در بهبود تدریس و یادگیری در مدارس پرداختند. آنان در پژوهش خود که با رویکرد کیفی و تحلیلی انجام شد چنین اظهار نظر کردند که تدریس و یادگیری دو مقوله مرتبط به هم و در هم تنیده است. زمانی یادگیری دانش‌آموزان بهبود می‌یابد که فرایند تدریس و آموزش نیز بهبود پیدا کند. بر همین اساس معلمان نیز در انجام مؤثر وظایف آموزشی خود در زمینه تدریس و آموزش به مشاوره و راهنمایی نیاز دارند. هم‌چنین حمایت و پشتیبانی از معلمان در رابطه با اجرای برنامه درسی و مدیریت کلاس‌های درس لازم و ضروری است.

روش‌شناسی پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی ریشه‌های مشاوره برنامه درسی و شناسایی خلاءها و کاستی‌های معلمان در حوزه‌ی مشاوره برنامه درسی است تا از این رهگذر ضرورت توجه به مشاوره برنامه درسی در مدارس مشخص شود. برای این منظور از رویکرد کیفی پژوهش و روش پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. چارچوب مصاحبه براساس مسئله اصلی پژوهش تدوین شد، بدین صورت که براساس مسئله پژوهش، ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در ابعاد مختلف فرایند یاددهی-یادگیری در مدارس از قبیل تدریس و آموزش، ارزشیابی، مدیریت کلاس درس، اجرای برنامه‌های درسی و ... مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا سؤالاتی به شرح زیر پرسیده شد؛ «در حال حاضر چه چالش‌ها و خلاءهایی وجود دارد که منبع یا مرجعی برای پاسخ به آن‌ها پیش‌بینی نشده است و مشاوران برنامه درسی می‌توانند آن‌ها را پاسخ دهند؟»، «مشاوران برنامه‌ی درسی در کدام ابعاد و حوزه‌ها می‌توانند فعالیت کنند؟»، «در حوزه مدیریت کلاس با چه خلاءهایی مواجه هستید که فکر می‌کنید مشاوران برنامه درسی می‌توانند به شما کمک کنند؟». اشاره به این نکته ضروری است که با توجه به نوع مصاحبه، که نیمه‌ساختاریافته بود برخی از سؤالات در حین فرایند انجام مصاحبه، به صورت پیگیرانه و با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کننده مطرح شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۱۴ نفر از معلمان دوره متوسطه دوم (دولتی) شهر تهران هستند. به‌منظور دقت در ارائه اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان معلمانی انتخاب شدند که علاقه کافی به شرکت در پژوهش داشتند. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان "روش نمونه‌گیری در دسترس" بوده است و تعداد مشارکت‌کنندگان نیز براساس اشباع نظری^۵ پژوهشگر مشخص شد، بدان معنا که مصاحبه‌ها تا بدانجا پیش رفت که دیگر اطلاعات تازه‌ای به دست نیاید. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش در جدول ۲ آمده است. مسئله‌ای که در انجام مصاحبه‌ها مورد توجه پژوهشگران وجود داشت، عدم آشنایی یا آشنایی اندک معلمان با مفهوم مشاوره برنامه درسی بود که به همین منظور پژوهشگران در ابتدای مصاحبه توضیحات لازم را در این رابطه به مشارکت‌کنندگان پژوهش ارائه نمودند.

1. Dudi
2. Malik
3. Lohan
4. Boora
5. theoretical saturation

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره	نوع مدرسه	سن	پایه تحصیلی	جنسیت
۱	دولتی عادی	۳۴	دهم	زن
۲	دولتی عادی	۴۲	دوازدهم	مرد
۳	نمونه دولتی	۳۷	یازدهم	مرد
۴	دولتی عادی	۵۱	دوازدهم	زن
۵	دولتی عادی	۳۲	دهم	مرد
۶	نمونه دولتی	۲۸	دوازدهم	مرد
۷	نمونه دولتی	۵۳	دوازدهم	مرد
۸	دولتی عادی	۴۱	یازدهم	زن
۹	دولتی عادی	۳۶	یازدهم	زن
۱۰	نمونه دولتی	۳۵	دهم	مرد
۱۱	نمونه دولتی	۳۹	یازدهم	زن
۱۲	نمونه دولتی	۴۲	دوازدهم	زن
۱۳	دولتی عادی	۲۸	دهم	مرد
۱۴	دولتی عادی	۳۴	یازدهم	مرد

به منظور تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی بهره گرفته شده است. در روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی، پژوهشگر از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌نماید و در عوض، اجازه می‌دهد که طبقات و نام‌شان از درون داده‌ها بیرون آیند (شاوا^۱، هلزا^۲، طلوع^۳، شونهیوا^۴، و متونسی^۵، ۲۰۲۱). در این روش تحلیل داده‌ها، شروع تحلیل و حتی گردآوری داده‌ها براساس سوالات و هدف پژوهش است، و نه فرضیاتی که از دل یک نظریه بیرون آمده باشد (مومنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲). فرایند تحلیل اطلاعات و مقوله‌بندی از طریق این روش به همراه نمونه در جدول ۳ نشان داده شده است.

1. Shava
2. Hleza
3. Tlou
4. Shonhiwa
5. Mathonsi

جدول ۳. فرایند تحلیل محتوای مصاحبه‌ها به همراه نمونه

مقوله محوری / طبقه	مقوله اصلی	زیر مقوله / کد اولیه	نمونه محتوا / جمله کلیدی
ارزشیابی	مقوله اصلی ۱: تناسب روش ارزشیابی با موضوع درسی	زیر مقوله ۲: روش ارزشیابی مناسب برای انواع موضوعات درسی؛ شیمی، ریاضی، تاریخ و ...	نمونه ۱: استفاده از روش ارزشیابی مناسب برای یک محتوای خاص (مثلاً ریاضی یا زبان خارجی یا فیزیک) موجب می‌شود نتایج دقیق و معتبری از ارزشیابی به دست نیاید
		زیر مقوله ۲:	نمونه ۲:
	مقوله اصلی ۲: تدوین طرح جامع ارزشیابی برای ارزیابی ابعاد مختلف یادگیری	زیر مقوله ۳: توجه به ابعاد مختلف یادگیری و آموزش در طرح ارزشیابی	نمونه ۳: طرح ارزشیابی که معلمان تهیه می‌کنند یا مثلاً برگه سوالات امتحانی معلمان را نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که فقط یک بُعد از یادگیری رو می‌سنجند، مثلاً قدرت حفظ کردن و حافظه را می‌سنجند، و توجهی به ابعاد دیگر مثل قدرت استدلال، تحلیل، خلاقیت، و غیره ندارند.....
		زیر مقوله ۴:	نمونه ۴:

هم‌چنین، در این پژوهش به‌منظور اطمینان از روایی و پایایی مطالعه از چهار شاخص لینکلن^۱ و گوبا^۲ (۱۹۸۵) یعنی اعتبار^۳، اعتماد^۴، تأییدپذیری^۵ و انتقال‌پذیری^۶ استفاده شد. اعتبار: برای این منظور زمان کافی برای مطالعه منابع معتبر و در دسترس اختصاص داده شد و هم‌چنین پژوهشگران تلاش کردند در ثبت و ضبط اطلاعات دقت کافی را داشته باشند و مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی برای مصاحبه‌شونده‌ها ارسال شد تا آن را بررسی و تأیید نمایند. اطمینان: برای این منظور در تمامی مراحل پژوهش یادداشت‌برداری انجام شد و جزئیات پژوهش با دقت ثبت و ضبط شد. تأییدپذیری: تمامی مستندات مربوط به پژوهش حفظ و نگهداری شده است. انتقال‌پذیری: برای این منظور یافته‌های پژوهش توسط ۳ نفر از صاحب‌نظران که در پژوهش مشارکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش در رابطه با ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس و هم‌چنین ضرورت توجه به مشاوره برنامه درسی در مدارس با تأکید بر وجه اشتراک تم‌ها و مقولات به دست آمده از متن روایت‌های مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود. طی تحلیل‌های انجام شده از متن مصاحبه‌ها، ۵ مقوله محوری، ۱۵ مقوله اصلی و ۴۲ زیر مقوله یا کد اولیه استخراج شد که در جدول ۴ نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش دیدگاه‌های معلمان و نیازهای آنان مورد مطالعه قرار گرفته است.

1. Lincoln
2. Guba
3. Credibility
4. Dependability
5. Confirmability
6. Transferability

جدول ۴. جدول کلی کدها و مقولات مستخرج از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان از مشاوره برنامه درسی

میزان تکرار	مقوله محوری	مقوله اصلی	زیر مقوله یا کد اولیه
۱۳	روش تدریس و آموزش	انتخاب روش تدریس مناسب با توجه به محتوا	روش تدریس مناسب برای محتواهای عملی و نظری
			شیوه آموزش مناسب براساس موضوع (ریاضی، فیزیک، ادبیات و ...)
			روش آموزش مناسب برای موعات فنی و غیر فنی
۸		انتخاب روش تدریس با توجه به ویژگی‌های فراگیران	تدریس مناسب برای دانش‌آموزان قوی و ضعیف
			روش تدریس مناسب برای دانش‌آموزان براساس سبک‌های یادگیری
۹		انتخاب راهبرد آموزش مناسب برای دانش‌آموزان خاص	راهبرد آموزش مناسب برای دانش‌آموزان ناسازگار
			راهبرد آموزش مناسب برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه
۱۰	دریافت مشاوره در رابطه با انواع روش‌های تدریس	تبیین و تشریح انواع روش‌های تدریس و آموزش نقاط ضعف و قوت روش‌های تدریس و آموزش الزامات یا پیش‌شرط‌های به‌کارگیری انواع روش‌های تدریس	
۱۱	روش ارزشیابی	تناسب روش ارزشیابی با موضوعات درسی	روش ارزشیابی و ارزشیابی برای دروس عملی و فنی
			روش ارزشیابی مناسب برای موضوعات مختلف نظری و مفهومی
			روش ارزشیابی مناسب برای انواع موضوعات درسی؛ شیمی، ریاضی، تاریخ و ...
۹		تدوین طرح جامع ارزشیابی برای ارزیابی ابعاد مختلف یادگیری	طرح ارزیابی جامع و انواع سوالات ارزشیابی توجه به ابعاد مختلف یادگیری و آموزش در طرح ارزشیابی
			طرح ارزشیابی مناسب با توجه به هدف ارزشیابی

	روش مناسب دریافت	روش‌های مناسب دریافت بازخورد حین تدریس
۷	بازخورد آموزش	تبیین اصول و الزامات دریافت بازخورد (بازخواست نکردن فراگیران، ایجاد احساس امنیت در فراگیران و)
	کمک به معلمان در رابطه با انواع روش‌های ارزشیابی در عمل	پاسخ به چالش‌های معلمان در اجرای ارزشیابی آموزش و تشریح روش‌های مختلف ارزشیابی و انواع سوالات
۱۰	مدیریت کلاس درس	تدوین ویژگی‌های انواع روش‌های ارزشیابی و شرایط به کار گیری آن
	تدوین طرح درس مناسب	تدوین اهمیت و ضرورت تدوین طرح درس برای تدریس
۷	مواجهه با چالش‌های مختلف در کلاس درس و یادگیری	کمک به معلمان برای تدوین طرح درس مناسب حل و فصل مشکلات و چالش‌های معلمان در تدوین طرح درس
۹	اجرای برنامه‌های درسی جدید	کمک به معلمان در رابطه با مشکلات رفتاری و انضباطی فراگیران
	تبیین برنامه‌های درسی و اقناع معلمان	ارائه مشاوره به معلمان در رابطه با مشکلات تحصیلی و یادگیری فراگیران
۱۲	اصلاح و تعدیل مقاومت معلمان	پاسخ به سوالات متعدد و مشکلات معلمان در رابطه با مدیریت کلاس درس
۸	پاسخ به چالش‌ها و سوالات معلمان در رابطه با اجرا	تبیین ابعاد مختلف برنامه‌های درسی بازنگری شده و دلایل و نتایج آن
		اقناع و توجیه معلمان در رابطه با اهمیت برنامه‌های درسی
		تشریح فرایند، منطق تدوین و اجرای برنامه‌های درسی
		بررسی و مطالعه ابعاد مقاومت معلمان
		ارزیابی نوع مقاومت معلمان و دلایل احتمالی آن
		ارائه مشاوره در رابطه با جرح و تعدیل برنامه‌های درسی با توجه به زمینه اجرا
		مرتفع نمودن مقاومت‌های غیرمنطقی یا مقاومت ناشی از عدم فهم درست
		بررسی و پایش فرایند اجرای برنامه‌های درسی توسط معلمان
		پاسخ به سوالات معلمان و کمک به حل و فصل اشکالات احتمالی

۷	حلقه اتصال بین معلمان و برنامه‌ریزان	مستندسازی نظرات و دیدگاه‌های معلمان در رابطه با برنامه‌های درسی	بررسی و مطالعه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات معلمان رد رابطه با برنامه‌های درسی
---	--	---	---

ثبت و ضبط دیدگاه‌های معلمان به صورت
رسمی

انتقال دیدگاه‌های معلمان به مسئولین و
برنامه‌ریزان و فراهم کردن زمینه مشارکت آنان
در بازنگری برنامه‌های درسی

۹	کمک به اصلاح و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با شرایط اجرا	بررسی و مطالعه ناسازگاری‌های برنامه‌های درسی با زمینه و شرایط اجرا
---	--	---

ارائه مشاوره به معلمان جهت اصلاح و
متناسب‌سازی برنامه‌های درسی

ارائه اطلاعات مورد نیاز به برنامه‌ریزان جهت
اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی

۱۲۹	۴۲	۱۵	۵	جمع
-----	----	----	---	-----

در ادامه به تشریح هر یک از مقولات محوری و اصلی پرداخته می‌شود و سعی بر آن خواهد بود که تصویری دقیق و واضح از نظرات و دیدگاه‌های معلمان در رابطه با ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس و خلاءهای موجود در این رابطه ارائه شود:

انتخاب روش تدریس و آموزش مناسب: یکی از موارد مهمی که توسط معلمان به‌عنوان خلاء اساسی مطرح می‌شود و حاکی از ضرورت مشاوره برنامه درسی می‌باشد، مسئله تدریس و آموزش است. با توجه به نظرات معلمان مشارکت‌کننده در پژوهش، بسیاری از نیازها و سوالات آنان در رابطه با فرایند تدریس و آموزش در مدرسه و کلاس درس بی‌پاسخ می‌ماند و وجود مشاور برنامه درسی در سطح مدرسه می‌تواند در بهبود روش‌های تدریس و آموزش و اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری اثرگذار باشد. آنان بر این عقیده‌اند که «تدریس و آموزش یک فعالیت کاملاً تخصصی و در عین حال چالش‌برانگیز است که نیاز به دریافت مشورت تخصصی دارد. همان‌طور که مشاوران مدرسه به دانش‌آموزان کمک می‌کنند، مشاوران برنامه درسی نیز می‌توانند به معلمان در راستای انجام بهتر وظایف‌شان به‌ویژه در حوزه تدریس و آموزش کمک کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۸). در رابطه با موضوع تدریس و آموزش و نیاز به مشاوران برنامه درسی، موارد مشخصی توسط معلمان اشاره شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- *انتخاب روش تدریس مناسب با توجه به محتوا:* براساس نظر معلمان مشارکت‌کننده در پژوهش، یکی از موضوعاتی که آنان نیاز به دریافت مشورت تخصصی دارند، انتخاب روش تدریس و آموزش متناسب با محتوا است. مشارکت‌کنندگان معتقدند که موضوعات درسی متفاوت، نیاز به روش تدریس و آموزش متفاوتی نیز دارند و همه‌ی موضوعات درسی را نمی‌توان با یک روش مشترک تدریس کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه می‌گوید: «فرض کنید ریاضیات و ادبیات را نمی‌توان با یک روش مشترک تدریس کرد، یا علوم تجربی را نمی‌توان با همان روشی که تاریخ تدریس می‌شود، تدریس کرد. باید برای موضوعات درسی روش مناسبی انتخاب کرد و این یک کار تخصصی و نسبتاً دقیق است که معلمان در این رابطه نیاز به کمک و مشورت دارند و این درحالی است که در حال حاضر در مدرسه کسی نیست که بتواند به ما کمک کند» (مشارکت‌کننده شماره ۴). یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز معتقد است: «هماهنگی روش تدریس با موضوع درسی خیلی مهم است و در حال حاضر

معلمان به علت عدم آشنایی کافی با این مقوله اغلب اوقات از یک روش تدریس مثلاً سخنرانی یا پرسش و پاسخ استفاده می‌کنند... طبیعی است که معلمان تخصص کافی در این رابطه نداشته باشند و باید مرجعی در محیط مدرسه باشد که بتواند به ما کمک کند» (مشارکت‌کننده شماره ۱). به نظر می‌رسد وجود مشاوران برنامه درسی در محیط مدرسه می‌تواند در این رابطه کمک‌کننده باشد و از این طریق موجب اثربخشی بیش از پیش فرایند تدریس و آموزش و تحقق اهداف برنامه‌های درسی شود.

- *انتخاب روش تدریس با توجه به ویژگی‌های فراگیران:* موضوع دیگری که در این رابطه مطرح شده است، انتخاب روش تدریس و آموزش مناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان است. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند که روش‌های تدریس و آموزش باید با ویژگی‌های فراگیران از قبیل سن، سطح رشد شناختی و ذهنی، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و ... متناسب باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه می‌گوید: «روش‌های تدریس و آموزش باید با توجه به ویژگی‌های فراگیران انتخاب شود، باید به سن دانش‌آموزان توجه شود، سطح رشد شناختی و عقلی آنان مورد توجه قرار گیرد، حتی ویژگی‌های بومی و محلی آنان نیز مورد توجه باشد، وقتی شما روش تدریس خودتان را بر این اساس انتخاب کنید آن تدریس، تدریس خوبی خواهد بود، اما واقعیت این است که معلم به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد و نیاز به کمک دارد» (مشارکت‌کننده شماره ۳). همان‌طور که در بخش مربوط به تناسب روش‌های تدریس و موضوع درسی نیز اشاره شد، مشاوران برنامه درسی با توجه به تسلطی که بر روش‌ها و راهبردهای تدریس و آموزش دارند، می‌توانند به معلمان مشاوره تخصصی ارائه کنند و در راستای انتخاب روش‌های تدریس و آموزش مناسب و مطلوب به آنان کمک نمایند.
- *انتخاب راهبرد آموزش مناسب برای دانش‌آموزان با ویژگی‌های خاص:* براساس نظرات معلمان، موضوع دیگری که در رابطه با روش تدریس و آموزش قابل توجه است، انتخاب راهبرد تدریس و آموزش مناسب برای دانش‌آموزان با ویژگی‌های خاص است. هر چند می‌توان گفت همه‌ی فراگیران دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی هستند، با این وجود برخی از آنان از نظر شناختی، عاطفی و رفتاری ویژگی‌هایی دارند که با اکثریت دانش‌آموزان تفاوت نسبتاً زیادی دارد. معلمان مشارکت‌کننده در پژوهش بر این عقیده‌اند که: «راهبرد آموزش و تدریس برای این دانش‌آموزان در حد امکان باید متفاوت از دیگر دانش‌آموزان باشد» (مشارکت‌کنندگان شماره ۱، ۲، ۵ و ۱۲). یکی از شرکت‌کنندگان در این مورد چنین توضیح می‌دهد: «برخی از دانش‌آموزان ویژگی‌های منحصر به فرد دارند. برخی از اغلب هم‌کلاسی‌های خود باهوش‌تر و با استعدادتر هستند و در مقابل برخی دیگر دارای مشکلاتی در یادگیری هستند یا دیر یاد می‌گیرند؛ برخی نیاز به همدلی و صمیمیت نسبتاً زیاد دارند و برخی دیگر در وضعیت کاملاً رسمی و جدی بهتر یاد می‌گیرند، برخی با گوش دادن بهتر یاد می‌گیرند و برخی دیگر با بحث و پرسش و پاسخ و ... واضح است که معلم باید در این رابطه اطلاعات کافی داشته باشد و راهبرد مناسبی در این زمینه به کار گیرد. واضح است که معلم برای این منظور نیاز به مشورت و کمک تخصصی دارد و به تنهایی قادر نخواهد بود از پس این کار به خوبی برآید» (مشارکت‌کننده شماره ۵). به نظر می‌رسد مشاوران برنامه درسی در این رابطه نیز می‌توانند نقش مؤثر ایفا کنند و به معلمان مشورت‌های لازم را ارائه دهند.
- *دریافت مشاوره در رابطه با انواع روش‌ها و فناوری‌های تدریس:* موضوع دیگری که تا حدودی در موارد بالا نیز مورد اشاره قرار گرفته است ولی به دلیل تأکید بالای مشارکت‌کنندگان به صورت جداگانه نیز مورد بحث قرار می‌گیرد، لزوم ارائه مشاوره و آموزش در رابطه با انواع شیوه‌های تدریس است. براساس نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، معلمان بایستی به صورت پیوسته و مداوم در این رابطه آموزش‌ای لازم را دریافت کنند و مرجعی در محیط مدرسه وجود داشته باشد که به سوالات معلمان در این زمینه پاسخ دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این زمینه اظهار می‌کند: «هر یک از روش‌های تدریس و آموزش ویژگی‌ها و ابعاد خاص خود را دارد و برای شرایط خاصی مناسب است. از طرف

دیگر ابزارها و فناوری‌های تدریس و آموزش نیز به صورت پیوسته در حال تحول است. من به‌عنوان معلم نیاز دارم که در رابطه با این موضوعات راهنمایی تخصصی و عملی دریافت کنم تا بتوانم انتخاب درستی داشته باشم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱). به نظر می‌رسد مشاوران برنامه درسی می‌توانند در این رابطه نیز به معلمان آموزش لازم و کافی را ارائه کنند و به سوالات احتمالی آنان در گام عمل و اجرا پاسخ دهند.

ارزشیابی: مؤلفه مهم دیگری که توسط معلمان اشاره شده است و به نظر می‌رسد بتوان آن را به‌عنوان یکی دیگر از ریشه‌های مهم مشاوره برنامه درسی در مدارس قلمداد کرد، مسئله ارزشیابی و دریافت بازخورد از فراگیران است. ارزشیابی عاملی است که از یک‌سو نشان‌دهنده میزان تحقق اهداف برنامه درسی و سطح یادگیری دانش‌آموزان است و از سوی دیگر سطح کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری و مشکلات و چالش‌های احتمالی آن را مشخص می‌کند. با این حال «ارزشیابی باید با شیوه درست و مطلوبی مورد استفاده قرار گیرد تا بتواند نتایج قابل اعتمادی را ارائه کند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲). چنانچه برای اهداف گوناگون و یا حتی موضوعات درسی مختلف، روش ارزیابی و ارزشیابی مناسبی استفاده نشود، نتایج به دست آمده نیز معتبر و قابل اعتماد نخواهند بود. در همین راستا مواردی توسط معلمان شرکت‌کننده در پژوهش مطرح شده است که در ادامه توضیح داده می‌شوند:

- *تناسب روش ارزشیابی با موضوعات درسی:* از جمله مسائلی که در رابطه با موضوع ارزشیابی مورد توجه مشارکت‌کنندگان پژوهش است، مسئله هماهنگی و تناسب روش ارزشیابی با موضوعات درسی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند «تناسب روش ارزشیابی با موضوع درسی یا محتوا یکی از دغدغه‌های مهم معلمان است» (مشارکت‌کننده شماره ۱)، چرا که «استفاده از روش ارزشیابی مناسب برای یک محتوای خاص (مثلاً ریاضی یا زبان خارجی یا فیزیک) موجب می‌شود نتایج دقیق و معتبری از ارزشیابی به دست نیاید» (مشارکت‌کننده شماره ۷). بر این اساس وجود مشاور برنامه درسی که هم در رابطه با انواع محتوای برنامه‌های درسی دانش کافی دارد و هم تسلط قابل توجهی بر شیوه‌های گوناگون ارزشیابی تحصیلی و آموزشی دارد، می‌تواند به معلمان در انتخاب روش‌ها و راهبردهای صحیح ارزشیابی کمک کند.
- *تدوین طرح جامع ارزشیابی برای ارزیابی ابعاد مختلف یادگیری:* مسئله‌ی دیگری که در رابطه با موضوع ارزشیابی برای معلمان مطرح می‌شود، تدوین یک طرح جامع ارزشیابی است، طرحی که بتواند ابعاد گوناگون یادگیری فراگیران (از جمله دانش، قدرت تحلیل، خلاقیت، مهارت و ...) را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه چنین می‌گوید: «خیلی وقت‌ها می‌بینیم طرح ارزشیابی که معلمان تهیه می‌کنند یا مثلاً برگه سوالات امتحانی معلمان را نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که فقط یک بُعد از یادگیری رو می‌سنجند، مثلاً قدرت حفظ کردن و حافظه را می‌سنجند، و توجهی به ابعاد دیگر مثل قدرت استدلال، تحلیل، خلاقیت، و غیره ندارند. به نظرم این روش ارزشیابی نمی‌تواند نتایج خوب و دقیقی در مورد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز به ما بدهد و باید طرح ارزشیابی یک طرح جامع و کامل باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۹). براساس یافته‌های پژوهش چنین می‌توان نتیجه گرفت که معلمان در این رابطه نیز نیاز به دریافت مشاوره تخصصی دارند که مشاوران برنامه درسی می‌توانند در این زمینه مثمر ثمر واقع شوند.
- *روش مناسب دریافت بازخورد آموزش:* دریافت بازخورد حین از فراگیران حین تدریس و آموزش اهمیت بالایی دارد، زیرا به معلم را از کیفیت یادگیری فراگیران و پیامد تدریس و آموزش خود آگاه می‌سازد و به او این امکان را می‌دهد که تدریس خود را اصلاح کند یا تغییر دهد. بر این اساس به‌کارگیری روش درست و صحیح برای دریافت بازخورد ضروری است. براساس نظر معلمان، «اغلب اوقات این امر مورد غفلت واقع می‌شود یا به درستی انجام نمی‌گیرد» (مشارکت‌کنندگان شماره ۱، ۶، ۱۴). در همین رابطه، همان‌طور که یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز به این مسئله اشاره می‌کند:

«لازم است فردی که تخصص و دانش کافی در این زمینه دارد به معلم کمک کند که روش درستی را برای دریافت بازخورد حین تدریس به کار برند و به سوالات و پرسش‌های معلمان را نیز در این راستا پاسخ دهد» (مشارکت‌کننده شماره ۶). واضح است که این امر موجب اثربخشی بیشتر فرایند یاددهی-یادگیری می‌شود.

• آموزش معلمان در رابطه با شیوه‌های ارزشیابی در عمل: همان‌طور که در رابطه با شیوه‌های تدریس نیز گفته شد، مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند در رابطه با شیوه‌های و روش‌های مختلف ارزشیابی نیز نیاز به بهبود و آموزش مداوم دارند، و در رابطه با این موضوع در حال حاضر خلاء جدی وجود دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه اظهار می‌دارد: «روش‌های مختلف ارزشیابی و ارزیابی وجود دارد که می‌تواند در جای مناسب خود مورد استفاده قرار گیرد ولی معلمان اغلب بخاطر عدم آگاهی یا از روی عادت، صرفاً از یک یا دو روش استفاده می‌کنند. یک معلم باید بداند که روش‌های مختلف ارزشیابی کجا باید استفاده شوند، انواع سوالات ارزشیابی چه موقع و چگونه استفاده می‌شود و ...» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴). به نظر می‌رسد مشاوران برنامه درسی می‌توانند در راستای توانمندسازی و آموزش معلمان در زمینه‌ی شیوه‌ها و روش‌های مختلف ارزشیابی نیز نقش مهمی ایفا کنند، موضوعی که در حال حاضر مورد غفلت واقع شده است.

مدیریت و راهبری کلاس درس: مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند خلاء مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد و به نظر می‌رسد یکی از ریشه‌های مهم مشاوره برنامه درسی در مدرسه را می‌توان در همین حوزه جستجو کرد، موضوع مدیریت و راهبری کلاس درس است. کلاس درس از آن حیث که شامل افراد با ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف است، یک جامعه کوچک محسوب می‌شود، و از آن جهت که در برگزیده فعالیت‌های مختلف آموزشی و افراد با ویژگی‌های شناختی و یادگیری متفاوت است، یک چالش مهم حرفه‌ای و تخصصی به‌شمار می‌آید. شرکت‌کنندگان پژوهش معتقدند «انجام موفقیت‌آمیز و مطلوب چنین مسئولیت پیچیده‌ای بدون دریافت مشاوره و کمک گرفتن از یک فرد متخصص در حوزه‌ی برنامه‌های درسی، امکان‌پذیر نیست» (مشارکت‌کنندگان شماره ۲، ۷ و ۱۱). در رابطه با مدیریت و راهبری کلاس درس، معلمان بر فعالیت‌ها و ابعاد مختلفی اشاره می‌کنند که حاکی از نیاز آنان به مشاور برنامه درسی است:

• تدوین طرح درس مناسب: تدوین یک طرح درس مطلوب و تدریس در کلاس درس براساس آن طرح درس لازمی اجرای یک تدریس اثربخش است. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند بسیاری از معلمان در رابطه تدوین طرح درس خوب و مناسب با مشکل مواجه هستند. در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش این‌گونه توضیح می‌دهد: «خیلی‌ها اصلاً طرح درس تهیه نمی‌کنند و یا اگر مجبور به آماده کردن طرح درس باشند یک چیز صوری و الکی می‌نویسند، برخی به اهمیت آن آگاه نیستند برخی دیگر نیز دانش و مهارت مورد نیاز را ندارند» (مشارکت‌کننده شماره ۵). شرکت‌کنندگان پژوهش بر این عقیده‌اند که «به دلیل اهمیت و حساسیت این امر، لازم است که آگاهی و مشاوره مورد نیاز به معلمان داده شود و مرجعی نیز وجود داشته باشد که معلمان بتوانند چالش و مشکلات احتمالی خود را به کمک او حل و فصل نمایند» (مشارکت‌کننده شماره ۹). حضور مشاوران برنامه درسی در مدارس می‌تواند این نیاز مهم را مرتفع نماید.

• مواجهه با چالش‌های مختلف در کلاس درس و یادگیری: کلاس درس مملو از اتفاقات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده است و معلم باید بتواند در مواقع مقتضی، تصمیمات لازم را اخذ کند. این اتفاقات شامل مسائل رفتاری، عاطفی، اخلاقی و تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود که کلاس درس را با چالش مواجه می‌کند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقدند مدیریت کلاس درس و حل و فصل چالش‌های مربوط به آن، کاری دشوار و البته تخصصی است و معلم در این زمینه نیاز به دریافت کمک و مشورت

از فردی متخصص و آگاه دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه می‌گوید: «ما در کلاس درس با مشکلات و چالش‌های مختلفی برخورد می‌کنیم. ممکن است دانش‌آموزی نظم کلاس را به هم بزند، فردی دیگر مسئله اخلاقی به وجود آورد، یکی دیگر مشکل یادگیری و تحصیلی داشته باشد، و واقعیت این است که ما در همه‌ی این زمینه‌ها متخصص نیستیم و یا اطلاعات خیلی اندکی داریم و نیاز به مشورت و کمک داریم» (مشارکت‌کننده شماره ۳). به نظر می‌رسد حضور مشاوران برنامه درسی در سطح مدارس می‌تواند در رابطه با حل و فصل چالش‌های معلمان در زمینه‌ی مدیریت کلاس درس راهگشا باشد.

کمک به معلمان برای اجرای برنامه‌های درسی جدید: اغلب برنامه‌های درسی جدید همراه با نوعی سردرگمی، ابهام و مقاومت است. با توجه به تحلیل اطلاعات به دست آمده، یکی دیگر از ریشه‌های مهم مشاوره برنامه درسی در مدارس در همین موضوع یعنی اجرای برنامه‌های درسی جدید قرار دارد. معلمان مشارکت‌کننده در این پژوهش معتقدند اجرای برنامه‌های درسی جدید در اغلب مواقع آنان را دچار چالش‌های متعدد می‌کند و سوالات گوناگونی برای آنان در این رابطه مطرح می‌شود که پاسخی به آن داده نمی‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه می‌گوید: «برنامه‌های درسی تغییر می‌کند، کتاب‌ها عوض می‌شود و دستورالعمل‌های تازه صادر می‌شود و ما باید آن‌ها را اجرا کنیم در صورتی که نه دلیل این تغییرات را می‌دانیم و نه هدف برنامه‌های تازه را» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰). به نظر می‌رسد وجود مشاوران برنامه درسی در مدارس و در کنار معلمان، می‌تواند در این رابطه مؤثر و مفید واقع شود. در همین راستا مشارکت‌کنندگان پژوهش به مواردی اشاره کرده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شوند:

- **تبیین برنامه‌های درسی و افتناع معلمان:** تغییر و تحول در برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های عموماً با چالش و ابهام از طرف معلمان همراه است. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند عدم همراهی معلمان با برنامه‌های درسی، ریشه در اقباع نشدن آنان در رابطه با این برنامه‌ها دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش به روشنی به این موضوع اشاره می‌کند و چنین اظهار می‌دارد: «موضوع این است که معلم باید در رابطه با برنامه درسی که اجرا می‌کند یا کتاب درسی که تدریس می‌کند اقباع شده باشد. وقتی من به‌عنوان معلم هنوز دچار ابهام و تردید هستم و سوالات بی‌پاسخ زیادی در ذهنم هست چگونه می‌توانم تمام توان و همت خودم را برای اجرای درست برنامه‌های درسی به کار گیرم؟!» (مشارکت‌کننده شماره ۳). آنان معتقدند «بایستی منبع یا مرجعی در مدارس وجود داشته باشد که به تبیین برنامه‌های درسی برای معلمان بپردازد و به سوالات و ابهامات آنان پاسخ دهد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳)؛ مسئولیتی که به نظر می‌رسد می‌تواند بر عهده مشاوران برنامه درسی گذاشته شود.
- **اصلاح و تعدیل مقاومت معلمان:** یکی از مسائلی که موجب کاهش اثربخشی برنامه‌های درسی و عدم تحقق کامل اهداف برنامه‌های درسی می‌شود، مقاومت معلمان در برابر برنامه‌های درسی است که به دلایل مختلف اتفاق می‌افتد. این مقاومت گاه به دلیل بدفهمی برنامه‌های درسی است و گاه نیز به خاطر ویژگی‌های زمینه‌ای محل اجرای برنامه‌ها. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش می‌گوید: «بعضی مواقع مقاومت در برابر برنامه‌های درسی نوعی مقاومت منطقی است و گاهی نیز ناشی از بدفهمی برنامه‌ها. این موضوع باید توسط یک نفر که متخصص برنامه‌های درسی است مورد بررسی قرار گیرد. اگر به دلیل عدم فهم درست اتفاق افتاده است باید تبیین شود تا مقاومت از بین برود و اگر هم مقاومت منطقی وجود دارد باید به معلمان کمک شود که جرح تعدیل درستی در برنامه‌های درسی به وجود آورند و مثلاً اینطور نشود که هرکس به سلیقه خود بخشی از کتاب را درس بدهد و بخشی را نیز درس ندهد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲). مشاوران برنامه درسی می‌توانند با تبیین درست برنامه‌های درسی و هم‌چنین درک درست از شرایط اجرا، به معلمان کمک کنند که مقاومت‌های خود را تعدیل کنند یا اگر نیاز به جرح و تعدیل در برنامه‌های درسی وجود دارد، این کار با دقت و به درستی انجام

شود به طوری که کلیت برنامه‌های درسی و اهداف اساسی آن تحت تأثیر قرار نگیرد.

- پاسخ به سوالات معلمان در رابطه با اجرای برنامه‌های درسی: هر چند این موضوع در موارد ذکر شده در بالا نیز به نوعی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی به دلیل گستردگی موضوع و اهمیت آن به صورت جداگانه نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. معلمان مشارکت‌کننده معتقدند عدم وجود منبع یا مرجعی که به سوالات معلمان در رابطه با اجرای برنامه‌های درسی به‌ویژه برنامه‌های درسی جدید پاسخ دهد، یکی از خلاءهای مهمی است که معلمان در اجرای مطلوب برنامه‌ها با آن مواجه هستند. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه می‌گوید: «معلمان در اجرای برنامه‌های درسی؛ به‌ویژه برنامه‌های جدید، با مشکلات فراوانی برخورد می‌کنند و سوالات متعددی برای‌شان مطرح می‌شود که لازم است فردی که دارای تخصص و دانش کافی باشد در مدرسه حضور داشته باشد و به این سوالات پاسخ دهد، واقعیت این است که اجرای برنامه‌های درسی جدید مملو از چالش و ابهام است» (مشارکت‌کننده شماره ۷). براساس نظر معلمان مشارکت‌کننده در پژوهش، مشاوران برنامه درسی می‌توانند این نقش را ایفا کنند و به معلمان مشاوره و راهنمایی لازم را ارائه نمایند.

حلقه اتصال بین معلمان و برنامه‌ریزان: معلمان مشارکت‌کننده در پژوهش معتقدند مشاور برنامه درسی در مدارس می‌تواند به‌عنوان واسطه یا حلقه اتصال بین برنامه‌ریزان درسی و معلمان عمل کنند. این موضوع در حال حاضر مورد غفلت واقع شده است و می‌تواند به‌عنوان یکی از ریشه‌های مهم مشاوره برنامه درسی در محیط مدارس تلقی گردد. مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کنند که در حال حاضر «نوعی گسست و جدایی بین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برنامه‌های درسی از یک طرف، و معلمان و به‌طور کلی مجریان برنامه‌های درسی در طرف دیگر وجود دارد، که همین خلاء اثربخشی و تحقق اهداف برنامه‌های درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳). به نظر می‌رسد استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس می‌تواند این خلاء را پر کرده و به نیازهای مرتبط در این رابطه پاسخ دهد. مشارکت‌کنندگان پژوهش به موضوعاتی در این رابطه نیز اشاره کرده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شوند:

- *مستندسازی نظرات و دیدگاه‌های معلمان در رابطه با برنامه‌های درسی:* مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند معلمان به دلیل اینکه مجریان اصلی برنامه‌های درسی هستند و عملاً با ابعاد مختلف این برنامه‌ها درگیر هستند، می‌توانند نظرات و پیشنهادات سازنده‌ای در این رابطه ارائه دهند ولی مرجعی برای دریافت و ثبت این نظرات و دیدگاه‌ها وجود ندارد و به همین دلیل این نظرات و دیدگاه‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه چنین می‌گوید: «من فکر می‌کنم کمتر کسی به اندازه معلمان با برنامه‌های درسی سروکار دارد و با چالش‌ها و کاستی‌های احتمالی موجود در این برنامه‌ها مواجه می‌شود، پس می‌شود گفت که معلمان بهترین منابع برای ارزیابی و اصلاح برنامه‌های درسی هستند در صورتی که کسی اصلاً نیست که به حرف معلمان گوش دهد یا نظرات و دیدگاه‌ها آنان را ثبت و ضبط کند و به مسئولان انتقال دهد» (مشارکت‌کننده شماره ۹). بر همین اساس مشاور برنامه درسی می‌تواند به‌عنوان نوعی حلقه اتصال بین معلم و برنامه‌ریز عمل کند و از این طریق به توسعه و بهبود برنامه‌های درسی کمک کند.

- *کمک به اصلاح و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با شرایط اجرا:* برنامه‌های درسی به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز یا نیمه‌متمرکز، ممکن است در عمل نیاز به جرح و تعدیل داشته باشند. مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند در حال حاضر در این رابطه خلاء اساسی وجود دارد و خود معلمان نیز از دانش و مهارت کافی در این رابطه برخوردار نیستند. مشاور برنامه درسی به‌عنوان یک متخصص که دانش و مهارت کافی در زمینه‌ی تدوین، اجرا و اصلاح برنامه‌های درسی دارد می‌تواند در این رابطه مؤثر واقع شود. یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش در این رابطه می‌گوید: «بعضی وقت‌ها نیاز است که

برنامه‌های درسی با توجه به شرایط موجود و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مخاطبان مورد اصلاح قرار گیرد تا هماهنگی بیشتری با زمینه و شرایط اجرا به وجود بیاید. معلمان به تنهایی نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید از پس این کار برآیند و نیاز به کسی دارند که تخصص و شایستگی کافی برای این کار داشته باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۵). بدون شک استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس می‌تواند به نیازهای معلمان در این رابطه پاسخ دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس مورد مطالعه قرار گرفت و خلأها و نیازهای معلمان در رابطه با ابعاد گوناگون برنامه‌های درسی در محیط مدرسه، که ضرورت مشاوره برنامه درسی را بیش از پیش مشخص می‌کند، بررسی شد. در این راستا، عوامل کلی و مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از این عوامل یا فاکتورها مشخص شد که در شکل ۱ نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان براساس یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در شکل ۱ دیده می‌شود یکی از ابعاد مهمی که در این پژوهش در رابطه با ریشه‌های مشاوره برنامه درسی شناسایی شد، تدریس و آموزش است. بر این اساس، یک بُعد مهم از خلأها و نیازهای معلمان در مدارس مربوط به تدریس و آموزش است که ضرورت توجه به مشاوره برنامه درسی در مدارس را آشکار می‌سازد. در رابطه با روش‌های تدریس و آموزش به مواردی چون انتخاب روش تدریس براساس محتوا، انتخاب روش تدریس متناسب با ویژگی‌های فراگیران، انتخاب راهبرد آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان خاص، و دریافت مشاوره در رابطه با انواع روش‌های تدریس اشاره شد. در پژوهش دودی و همکاران (۲۰۲۲)، گولتا (۲۰۱۶) و پیپولی (۲۰۱۲) نیز بر ارائه مشاوره به معلمان در زمینه مهارت‌های تدریس و آموزش اشاره شده است. دودی و همکاران (۲۰۲۲) تدریس و یادگیری را دو مقوله در هم‌تنیده

می‌دانند و معتقدند معلمان در انجام مؤثر وظایف آموزشی خود در زمینه تدریس و آموزش به مشاوره و راهنمایی نیاز دارند. به اعتقاد گولتا (۲۰۰۶) ارائه راهنمایی و مشاوره به معلمان در زمینه روش‌های آموزش و تدریس و آگاه‌سازی ایشان در مورد محتوای برنامه درسی، می‌تواند به بهبود برنامه درسی در حیطه عمل کمک شایانی نماید. پیپولی (۲۰۱۲) نیز بر شناسایی ویژگی‌های دانش‌آموزان به‌عنوان مخاطبان برنامه درسی تأکید داشته و آگاهی معلمان از ویژگی‌های دانش‌آموزان را امری مهم تلقی می‌کند.

ارزشیابی و چالش‌ها و مسائل مرتبط با آن، بُعد دیگری است که براساس یافته‌های پژوهش در رابطه با ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان شناسایی شد. در رابطه با بُعد ارزشیابی مسائلی از قبیل تناسب روش ارزشیابی با موضوعات درسی، تدوین طرح جامع ارزشیابی، انتخاب روش مناسب دریافت بازخورد از فراگیران، و کمک به معلمان در زمینه انواع روش‌های ارزشیابی در عمل مورد توجه و تأکید مشارکت‌کنندگان پژوهش بود. به سخن دیگر، در حال حاضر، معلمان در رابطه با مسائل مذکور با چالش مواجه هستند و استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس می‌تواند در پاسخ به این نیازهای معلمان و رفع چالش‌های آنان در حوزه ارزشیابی مؤثر واقع شوند. یافته‌های پژوهش در این بخش با پژوهش‌های آنجلوسکا^۱ (۲۰۱۹) و بارگا و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد. آنجلوسکا (۲۰۱۹) نشان می‌دهد هرچه آشنایی معلمان از روش‌های ارزشیابی موجود بیشتر باشد، اجرای برنامه‌های درسی مؤثرتر خواهد بود. ایشان پیشنهاد می‌کنند، با توجه به اهمیت ارزشیابی در فرایند آموزش زمینه آموزش مستمر معلمان، توسط دست‌اندرکاران نظام آموزشی بایستی فراهم شود. بارگا و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود بر این عقیده‌اند که اگر معلمان در زمینه ارزشیابی ضعیف عمل نمایند، کل فرایند آموزش دچار خدشه شده و در نتیجه بهبود و اصلاح برنامه نیز امکان پذیر نخواهد بود.

یکی دیگر از ابعاد مهمی که براساس یافته‌های پژوهش مورد توجه قرار گرفت، مدیریت کلاس درس است. معلمان مشارکت‌کننده در این پژوهش معتقد بودند که در رابطه با مدیریت کلاس درس و انتخاب راهبردهای مطلوب و مناسب، با چالش‌ها و ابهامات متعددی مواجه هستند که به نظر می‌رسد اهمیت پرداختن به موضوع مشاوره برنامه درسی را نشان می‌دهد. در رابطه با مدیریت کلاس درس نیز مسائلی چون تدوین طرح درس مناسب و مواجهه با چالش‌های مختلف کلاس درس ذکر شد که عملکرد مطلوب معلمان در این رابطه مستلزم دریافت مشاوره و کمک از مشاوران برنامه درسی است. هم‌راستا با یافته‌های پژوهش، دودی و همکاران (۲۰۲۲) نیز حمایت و پشتیبانی از معلمان در رابطه با اجرای برنامه درسی و مدیریت کلاس‌های درس ضروری می‌شمارند. در همین رابطه، کورپرشوگ و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند چگونگی و کیفیت مدیریت کلاس درس توسط معلمان بر رفتار علمی، احساسات، انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. ایشان نتیجه می‌گیرند که آگاهی معلمان در این زمینه، می‌تواند به شکوفایی دانش‌آموزان کمک کند. هم‌چنین لومن و همکاران (۲۰۲۱) نیز اعتقاد دارند مهارت بالای معلم در مدیریت کلاس درس، تأثیر قابل توجهی در موفقیت دانش‌آموزان داشته و معلمانی که در این زمینه به مهارت‌های بالایی دست یافته‌اند، دانش‌آموزان موفق‌تری دارند.

چالش‌ها و مشکلات معلمان در رابطه با اجرای برنامه‌های درسی جدید، موضوع دیگری است که طبق یافته‌های پژوهش به‌عنوان یکی دیگر از ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس شناسایی شد. معلمان در اجرای برنامه‌های درسی با مشکلات و مسائل گوناگونی مواجه هستند که مشاوران برنامه درسی با حضور در مدارس می‌توانند به مرتفع شدن این چالش‌ها کمک کنند. در همین رابطه مواردی چون تبیین برنامه‌های درسی و اقناع معلمان، اصلاح و تعدیل مقاومت معلمان، و پاسخ به سوالات و ابهامات معلمان، مطرح شده است که می‌تواند توسط مشاوران برنامه درسی به صورت مطلوبی به انجام برسد. یافته‌های پژوهش در این رابطه با یافته‌های پژوهش ترکی و همکاران (۱۴۰۱) و هور و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. ترکی و

همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود در رابطه با ضرورت طراحی بسته‌های مشاوره برنامه درسی برای تربیت مغز بر مؤلفه‌هایی چون تسهیل اجرای برنامه درسی و کمک به اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی اشاره می‌کنند. هور و همکاران (۲۰۱۲) نیز بر این عقیده‌اند که قبل از اجرای برنامه درسی ارائه مشاوره در مورد چگونگی اجرا و آشنایی معلمان در مورد چالش‌های احتمالی پیش‌رو، ضرورتی انکارناپذیر است.

حلقه اتصال معلمان و برنامه‌ریزان آخرین موضوعی است که در رابطه با ریشه‌های مشاوره برنامه درسی در مدارس از دیدگاه معلمان در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. در ذیل این موضوع کلی، دو مسئله مهم یعنی مستندسازی نظرات معلمان در رابطه با برنامه‌های درسی، و کمک به اصلاح و متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با شرایط اجرا مطرح شده است که در حال حاضر جزو چالش‌های مهم معلمان به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد توجه و تأکید بر استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس در این زمینه نیز می‌تواند مثمرتر واقع شود. ترکی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود به مقوله‌هایی چون هماهنگ‌کننده مدرسه و مجریان استانی و کشور و همچنین مشارکت در برنامه‌ریزی درسی اشاره می‌کنند که ناظر بر همین نقش مشاوران برنامه درسی یعنی حلقه اتصال بین معلمان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی است.

با نگاهی به یافته‌های پژوهش، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند این است که حرفه‌ی معلمی نه تنها امری سهل و ساده نیست، بلکه برخلاف آنچه ظاهراً به نظر می‌رسد یک شغل کاملاً تخصصی و به غایت چالش‌برانگیز است. معلمان برای انجام وظایف خود به صورت مطلوب و اثربخش نیازمند دریافت مشاوره و راهنمایی تخصصی در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه آموزش و برنامه‌های درسی هستند. همان‌طور که دانش‌آموزان در زمینه‌ی مسائل تحصیلی نیازمند دریافت مشاوره از مشاوران تحصیلی و مدرسه هستند، معلمان نیز به دریافت مشاوره در حوزه‌ی برنامه‌های درسی و آموزش نیاز دارند. به بیان دیگر، همان‌طور که یادگیری بهتر نیازمند دریافت مشاوره است، تدریس و آموزش اثربخش نیز نیازمند دریافت مشاوره تخصصی است؛ حتی به جرات می‌توان گفت اهمیت دومی از اولی بیشتر است، چرا که فرایند آموزش و تدریس مطلوب پیش‌شرط یادگیری مطلوب است.

این پژوهش براساس رویکرد کیفی انجام شده است و طبیعتاً محدودیت‌های ذاتی این نوع از پژوهش‌ها در رابطه با تعمیم‌پذیری یافته‌ها را داراست، و انجام مطالعات و پژوهش‌های بیشتر می‌تواند ابعاد و جوانب دیگری از موضوع را آشکار سازد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های وسیع‌تر و تکمیلی در رابطه با موضوع پژوهش یعنی مشاوره برنامه درسی در مدارس و ابعاد گوناگون آن انجام شود. هم‌چنین با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، به مدیران و مسئولان نظام آموزش و پرورش کشور توصیه می‌شود پیش‌زمینه‌های ساختاری و اداری استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس را فراهم آورند تا از این طریق هم کیفیت فرایند تدریس و آموزش در مدارس بهبود یابد و هم تحقق اهداف برنامه‌های درسی بیش از پیش تسهیل شود. به‌طور کلی، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر در راستای ارتقا و بهبود فرایند یاددهی-یادگیری در مدارس ارائه می‌شود:

- ✓ تعریف وظایف و مسئولیت‌های حرفه‌ای مشاوران برنامه درسی و حیطة فعالیت‌های آنان براساس شواهد تجربی و پژوهشی
- ✓ برنامه‌ریزی برای استقرار مشاوران برنامه درسی در مدارس به منظور ارائه مشاوره به معلمان در جهت کمک به اجرا و بازنگری مؤثر برنامه‌های درسی
- ✓ توجه بیش از پیش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی به نیازها و چالش‌های معلمان در اجرای برنامه‌های درسی

References

منابع

- Angeloska Galevska, N. (2019). Challenges of Teachers in the Process of Evaluation and Grading. *The Eurasia Proceedings of Educational & Social Sciences (EPESS)*, Volume 15, Pages 94-99
- Bax, A. C., Shawler, P. M., Anderson, M. P., & Wolraich, M. L. (2018). The Relationship Between Pediatric Residents' Experiences Being Parented and Their Provision of Parenting Advice. *Frontiers in Pediatrics*, 6, 395.
- Borna Khajeh M, Mahmoodi F, Adib Y, Habibi H. (2022). Studying the process of primary schools teachers' resistance towards formal curriculum. *Journal of Theory & Practice in Curriculum*. 10(19), 373-408.
- Braga, M., Paccagnella, M., & Pellizzari, M. (2014). Evaluating students' evaluations of professors. *Economics of Education Review*, 41, 71-88.
- Caldwell, A., Qasimyar, H., Shumate, L., Anderson, M. P., Cherry, A., Bryant, C., & Bax, A. (2019). Structured Curriculum to Improve Pediatric Resident Confidence and Skills in Providing Parenting Advice. *Journal of Osteopathic Medicine*, 119(11), 748-755.
- Doud, A. K., Hoepner, J. K., & Holland, A. L. (2020). A survey of counseling curricula among accredited communication sciences and disorders graduate student programs. *American Journal of Speech-Language Pathology*, 29(2), 789-803.
- Dudi, Jyoti & Malik, Poonam & Lohan, Sangeeta & Boora, Anshu. (2022). *Role of guidance and counseling in effective teaching and learning at school*. 10.22271/ed.book.1714.
- Fathi Vajargah, K. (2021). Principles and Basic Concepts of Curriculum Planning, Tehran, Elam Ostadan.
- Gouleta, E. (2006). Improving teaching and learning: A counseling curriculum model for teachers. *Vistas Online*, 113-116.
- Hammond, K. L., & Moser, E. (2009). Curriculum advice from your advisory board: A survey instrument. *Academy of Educational Leadership Journal*, 13(3), 59.
- Hauer, K. E., Carney, P. A., Chang, A., & Satterfield, J. (2012). Behavior change counseling curricula for medical trainees: a systematic review. *Academic Medicine*, 87(7), 956.
- Jackson, P. W. (1992). *Conceptions of curriculum and Curriculum specialists In: Handbook of Research on Curriculum: A Project of the American Educational Research Association*, edited by Philip W. Jackson, 3-40, New York: Macmillan Pub. Co.
- Korpershoek, H., Harms, T., de Boer, H., van Kuijk, M., & Doolaard, S. (2016). A meta-analysis of the effects of classroom management strategies and classroom management programs on students' academic, behavioral, emotional, and motivational outcomes. *Review of Educational Research*, 86(3), 643-680.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage.
- Lohmann, M. J., Randolph, K. M., & Oh, J. H. (2021). Classroom management strategies for Hyflex instruction: Setting students up for success in the hybrid environment. *Early Childhood Education Journal*, 49(5), 807-814.
- McFarland, K. P. (1999). Writing-across-the-Curriculum: Advice from Pre-Service Educators to University Educators.
- Momeni rad, A., Aliabadi, KH., Fardanesh, H., Mazini, N., (2013). Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results. *Quarterly of Educational Measurement*, 4(14), 187-222.
- Obi, U. N., & Ticha, I. K. (2021). Perceptions of Teachers and Subject Advisers Regarding Curriculum Development Processes in Fort Beaufort District, Eastern Cape. *Journal of*

Curriculum and Teaching, 10(4), 1-12.

Pipoly, L. (2013). Counselor Education Curriculum and Online Counseling. *Journal of Instructional Research*, 2, 48-57.

Roodi M, fathi vajargah K, arefi M, hakimzadeh R, sharifi M. (2018). Conceptualizing curriculum counseling as a new domain in the field of curriculum studies. *Journal of Theory & Practice in Curriculum*. 6(11), 105-140. URL: <http://cstp.khu.ac.ir/article-1-2817-fa.html>

Roodi, M., fathi vajargah, K., arefi, M., & sharifi, M. (2022). The Standpoints of Regarding the Concept of Curriculum Counseling in the Field of Curriculum Studies. *Journal of higher education curriculum studies*, 13(25), 89-106.

Salmani, B., Maleki, H., Abbaspour, A., Hakimzadeh, R., & Amirtiemouri, M. H. Curriculum Leadership; An Effective Method Toward Change and Dynamic Implementation of The Curricula. *Research in Teaching*, 6(4), 106-126.

Sharifi, M., Zanimoghadam, A., Jamali, A., & Reshadatjo, H. (2022). Providing a Model for Improving the Professional Competencies of Educational Counselors in Providing Services to First-Grade High School Students (Case Study: Tehran Education). *Journal of Management and Planning In Educational System*, 15(2), 115-144. doi: 10.52547/mpes.15.2.115.

Shava, G., Hleza, S., Tlou, F., Shonhiwa, S., & Mathonsi, E. (2021). Qualitative content analysis. *International Journal of Research and Innovation in Social Science (IJRISS)*, 5(7), 553–558.

Torki, K., Baratali, M., Saadatmand, Z., & Yousefi, Z. (2022). The Necessity to Design a Curriculum Consulting Training Package with Brain-Based Educational Approach. *Educational Development of Judishapur*, 13(2), 370-382. doi: 10.22118/edc.2022.329563.2022.

Walker, D. F. (2002). *Fundamentals of curriculum: Passion and professionalism*. Routledge.

Yadegarzade, Gh., Fathivajargah, K., Mehrmohammadi, M., Arefi, M. (2013). Analysis of Job Roles and Professional Activities of Curriculum Specialists. *Journal of Curriculum Studies (J.C.S.)*. Vol.8 (30); 2013, 5-28

Talebzade Shoshtari, L., & Momeni, A. (2021). A Qualitative Study on Teachers' Necessary Skills for Successful Implementation of Inclusive Education (Case Study: Torbat-e Heydariyeh Teachers). *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(1), 255-286. doi: 10.52547/MPES.14.1.255